

بنیان گزاری حکومت اسلامی

یکی از مباحث با اهمیت و برنا‌ها‌ی اساسی این نشریه؛ بحث قرآنی، و مقالات و تذکرات در پیرامون این سرچشمه فضیلت و سعادت و کتاب جاویدوزنده اسلام میباشد که امیدواریم بتوانیم مطالب جالبی در این باره تقدیم خوانندگان ارجمند بنمائیم. اینک در این شماره باین مناسبت که بنام غدیر و در این موسم منتشر میگردد این مقاله که منضم تفسیر آیه شریفه ولایت وجهات دیگری است، در این فصل درج میشود.

یا ایها الرسول بلغ ما انزل
الیک من ربک و ان لم تفعل فما
بلغت رسالتک و الله یعصمک من
الناس ان الله لا یهدی القوم
الکافرین . (سوره مائده، آیه ۷۱)

مأموریت سنگین و بزرگی که پیامبر اسلام را بآینده مسلمین بیش از پیش متوجه گردانیده بود و تصور حوادثی که زمان آ‌بستن آن بود آن‌مرد بزرگ را ناراحت مینمود.

در داخل اسلام احزاب و دستجاتی برای بدست آوردن حکومت و زمامداری؛ و اجراء يك نقشه‌های بخصوصی که با هدف‌های عالی پیغمبر سازگار نبود در تلاش بودند، و گذشت زمان و توسعه قلمرو حکمرانی اسلام بر شدت علاقه آنها بحکومت می‌افزود.

افکار و نقشه‌های جاه‌طلبان!

مسئله رهبری مسلمین بعد از پیغمبر افکار عشاق مقام و ریاست را بخود مشغول ساخته بود این افراد میل داشتند این موضوع جنبه دینی نداشته باشد، و خدا و پیغمبر چنین مطلبی را که اجراء تمام بر نامه‌های عالی و آسمانی اسلام بطور کامل وابسته بآن است مهمل بگذارند. و حال که چنین نشده و پیغمبر ﷺ از آغاز بعثت تا سال حجة الوداع در مناسبات و موارد بسیار تلویحاً و تصریحاً این مسئله را عنوان فرموده و علی بن ابی طالب عليه السلام را بر رهبری مردم بعد از خود منصوب و معرفی کرده لا اقل بهمان تصریحات سابقه اکتفا شود و دیگر کتباً (۱)

(۱) این جاه پرستان را چنان محبت زمامداری کور و کر کرد که علناً بزرگترین گستاخی و سوء ادب را نسبت بمقام رسالت مرتکب شده و آتش اختلافاتی را که بعداً توسعه یافت در محضر آنحضرت روشن کردند و پیغمبر بزرگ خدا را در مرض موت از نوشتن وصیتی که برای همیشه آنها را از گمراهی و ضلالت نجات بخش بود منع و کلامش را که جز بوحی الهی سخن نمی‌فرمود رد کردند و چون میدانستند که وصیت کتبی پیغمبر تأکید تنصیص و تصریح بخلافت و ولایت علی (ع) و يك سند کتبی محکم است که دست آنها را خواهد بست و آنرا از حکومت محروم می‌سازد با پیغمبر مخالفت کردند و در حالیکه آنحضرت بیمار بود صداها را برد امر و واجب اطاعت آنجناب بلند کردند که مادرا اینجا از نقل کلام آنها =

و در يك اجتماع بزرگ عمومی بمردم اعلام نشود تا آنها بتوانند بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقشه های خود را اجرا کنند.

توطئه گران میدانستند که رهبری مسلمین از طرف خدا بعهده چه کسی گذارده شده و غیر از شیر مرد اسلام و مجسمه ایمان و علم و تقوی و فضایل اخلاقی و عدالت و مردانگی و زهد و تواضع: علی بن ابیطالب علیه السلام هیچکس صلاحیت و شایستگی انتخاب الهی را ندارد، و این خلعت جز بر قامت قابلیت علی راست نیاید. زیرا علی نمونه کامل دین و مثل عالی اسلام و آئینه تمام نمای پیغمبر و صاحب سوابق ممتاز و درخشان و آثار برجسته و نمایان، و برنده همه امتیازات در میدانهای فضایل بود همه اصحاب مکرر از پیغمبر صلی الله علیه و آله فضایل علی (ع) را شنیده و با چشم خود شجاعت و عبادت و زهد و فداکاریها و مجاهدات او را در غزوات و جنگها دیده بودند.

== خودداری میکنیم و خواننده منصف و حقیقت جو را بمطالعه صحیح ترین کتاب حدیث اهل سنت صحیح بخاری: (ج ۱) باب کفایة العلم، و ج ۲) باب جوائز الوفاء، و ج ۳) باب مرض النبی صلی الله علیه و سلم؛ و ج ۴) باب کراهیة الخلف) و صحیح مسلم: (کتاب وصیت) و مسند احمد (من حدیث ابن عباس) توصیه مینمائیم و یاد آور میشویم که هر وقت حبر امت ابن عباس این داستان را بیاد می آورد سیل اشکش جاری می شد و بر این مصیبت بزرگ که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از کتابت و وصیتش منع کردند گریه میکرد و این مصیبت را بسیار بزرگ می شمرد و حقاً باید همین طور باشد اگر همه افراد امت دوستان حضرت ختمی مرتبت (ص) در گریه و شیون در این مصیبت که ام المصائب است باین عباس تاسی کنند سزاوار و بجاست.

و معلوم بود که در انتخابی که انتخاب‌کننده آن خدا و پیغمبر واسطه تبلیغ باشد جز علی کس دیگر انتخاب نمی‌شود، و چنان پیامبری را چنین جانشینی باید که بتواند هدفهای او را تعقیب کند، و باین علت نباید از کارشکنی‌های جاه طلبان که میدانستند نتیجه انتخاب و اعلان عمومی محروم شدن آنها از استنمار مردم و تصرف بیت‌المال است تعجب کرد. پیامبر برگزیده اسلام که از تحریکات و دسایس این افراد آگاه بود و دور نمای رهبری مسلمین و آشوبها و سیاستها و فتنه‌هایی را که به مقدمات آن آغاز شده بود تماشا میکرد، و حکومت جباران و ستمکاران بر امت اسلام را در روشنائی و وحی پیش‌بینی میفرمود سخت در رنج و فشار بود، و از اینکه گروهی دنیا طلب مسیر واقعی اسلام را که باید منتهی بِنجات عامه بشر شود عوض میکنند ناراحت و نگران بود.

محتاج بتوضیح زیاد نیست که نصب امام و تعیین روش حکومت جهانی اسلام و رهبری مسلمین از مهمترین هدفهای است که باید دین در مورد آن مردم را هدایت و رهبری نماید، و در پیشگاه عقل و خرد باور-کردنی نیست که اسلام در یک چنین امر حساس ترتیب و برنامه‌ای که از هر جهت جامع و روشن باشد معین نکرده باشد.

هدف عالی پیغمبر اسلام (ص)

حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیست و سه سال در هدایت گمراهان و دعوت بتوحید و تربیت جامعه و تبلیغ احکام و تشویق مردم بعدل و احسان و برادری و فضایل انسانی، و حکومت حق و قانون رنج و زحمت بسیار کشید. او میخواست ستم‌ونادانی و فحشاء و فساد و ناپکاریها و خود پرستی و فرمانروائی خود کامگان و گردنکشان

را از ریشه بر کند ، و بزور و قلدری و استثمار مردم که در آن عصر مثل عصر ما بصورت‌های گوناگون هم در بین مردم وحشی و هم در میان مردم باصطلاح متمدن رایج بود خاتمه دهد ، و یک جهانی که همه چیز آن درخور شأن همه انسانها باشد بر اساس علم و فضیلت و عدالت و احترام بحقوق همه افراد و آزادی واقعی پایه‌ریزی نماید . جهانی که در آن همه از امتیازات عالی بشری برخوردار و از یک زندگی مرفه و راحت بهره‌مند باشند ، و ایمان بخدا و حب‌بخیر و تعاون و همکاری و همگامی و حسن تفاهم در آن همه افراد راهم فکر و هم‌صدا سازد .

او میخواست جهانی بسازد که در آن : زمینه برای حکومت جباران و عزیزان بلا جهت فراهم نباشد و کسی نتواند خود یا افکار شخصی خود را بر مردم تحمیل و بندگان خدا را استعباد و خود را مالک الرقاب آنها بداند . بزرگترین بلا و مصیبتی که در زمان بعثت آنحضرت جان و شرف بشر را سخت فشار میداد روش حکومتها بود و ریشه تمام این مفسد ، از شرك و بت‌پرستی و پرستش زمامداران و عدم درك معنی توحید خالص آب میخورد .

پیش‌بینی حکومت خدائی

پیغمبری که از طرف خدا بر انگیزخته شده برای اینکه فشارها و بارهای سنگین زندگی و روش‌های ناپسند اجتماعی را از دوش مردم بردارد و خداوند او را فرستاده تا رحمة للعالمین باشد و تبلیغ آخرین سرنامه‌های جامع آسمانی را بعهده او گذارده ؛ باید دیدنش در مورد حکومت نیز جوابگوی حوائج بشر باشد ، پیغمبری که علمدار بزرگ آزادی و نجات بشر است و با ندای : **تعالوا الی**

كلمة سواء بيننا وبينكم ان لا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئاً ولا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله (۱) مردم را بعاليترين مفهوم آزادی و مساوات انسانی آشنا کرده ، و عقیده توحيد را منبع تمام حریتها و فضایل معرفی فرموده و آئين جامع و كامل آسمانی او رفع كوچك - ترين اسباب نزاع و تفرقه را پيش بينی کرده و از بيان مستحبات و مكرهات و اخلاقيات و معاملات و آداب خوردن و خوابیدن و پوشیدن و نوشیدن و معاشرت با مردم و سلوك باخویش و بيگانه حتی مقررات عبور و مرور و وسايط نقلیه و آداب استحمام و... خودداری نكرده و آنچه را كه مربوط سياست مدن و تدبير منزل و اخلاق است بيان داشته ، محال است كه در يك مسئله بزرگی كه اجراء كامل تمام احكام و عدالت اجتماعی و امنیت و رفاه عموم و نشر معارف و علوم اسلامی و اعلاء كلمه توحيد بآن وابستگی دارد سكوت ورزد و درباره آن مسامحه نماید . حاشا ! و كلا ! و تعالی الله و رسوله عما يقول الظالمون علواً كبيراً .

مشکل حکومت ! نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در گذشته و حال یکی از مهمترین موضوعاتی كه همواره افكار بشر را از حاكم و محكوم بخود مشغول ساخته مسئله رهبری و زمامداری جامعه و چگونگی حكومت و سیستم اداره امور و تشيكالات نظامی و قضائی و قسمتهای ديگر است كه هنوز هم افكار نسبت بآن هم آهنگ نشده و هنوز هم یکی از علل بزرگ بلکه بزرگترین علت اختلافات و جنگها است و همین موضوع است كه صلح بين المللی همواره از آن درمخاطره است و در همین دنیای باصطلاح متمدن ما ، در هر ساعت ۱۶۸ میلیون تومان

(بر حسب بعضی آمارها) صرف ساختن اسلحه‌های جهنمی و وسایل قتل و اعدام و نابود کردن بشر و تخریب آبادیها میشود که باعث آن یا اختلاف و طمع زمامداران جاه طلب و خودسراست که ملت‌ها را استثمار میکنند؛ یا اختلاف در نوع حکومتی است که باید دنیا و جامعه را اداره نماید .

در موقع ظهور اسلام هم دنیا با همین مشکل روبرو بوده و باعث انحطاط و سلب حریتها ، فساد حکومت، و فرمانروائی نادانان بردانان و نالایقان بر لایقان و مفسدان بر مصلحان ، همین مشکل بوده است .

حال اسلام که يك آئین جهانی است و برای اداره دنیا و آخرت بشر آمده چگونه ممکن است این مشکل را حل نکرده و بر نامه خدا را بدست این بشر مجادل نداده باشد .

اگر مسئله حکومت بر اساس صحیح پی‌ریزی نشود سایر احکام و بر نامه‌های علمی و تربیتی و سیاسی و مدنی دین بطور کامل اجرا نمیشود و در حدودی هم که اجرا میشود فوائد آن همه جانبه نخواهد بود از اینجهت است که بر حسب احادیث، معرفت امام وقت واجب و ولایت بزرگترین پایه و اساسی است که اسلام بر آن قرارداد .

پس ما باین نتیجه میرسیم که اسلام سبک حکومت و کیفیت تشکیلات آنرا کوچک نموده و از چنین نقص بزرگ منزّه و مبرا است و اصلاح امر حکومت جزء بر نامه‌های اساسی اسلام قرارداد و شرایط زمامداری و روابط ملت و حکومت و حدود اختیارات زمامداران را معین کرده است

نصب حاکم در اسلام !

پیغمبر اسلام مکرر برای ادامه عالیتین حکومت که هدفهای آنحضرت را دنبال نموده ، ودعوت اسلام را بشمر میرساند و احکام

قرآن را اجرا کند و دنیا را بطرف يك حکومت جهانی اسلامی که تبعیضات نژادی و صنفی و طبقاتی در آن نباشد سپردهد، کسانی را که از هر جهت صلاحیت این رهبری را دارند معرفی کرد، و علی رغم تمام تحریکات سیاسی منافقین، بفرمان خداداد بزرگترین اجتماع اسلامی درگذیر خمرسماً و صریحاً با مراسم بسیار باشکوه علی علیه السلام را بخلافت و جانشینی خود نصب و معین فرمود و دین اسلام را کامل و تمام گردانید.

با نصب علی بخلافت، نوع حکومت اسلامی که همان ادامه رهبری و زمامداری پیغمبر است معلوم گردید، و ضمناً دانسته شد حکومت‌های ستمکار و متجاوز که زمام امور مسلمین را بدست گرفته و در جهت حفظ مصالح جامعه اسلامی سیر نمیکنند غیر شرعی و واجب‌الاطاعه نیستند و اسلام از اینکه حکومت ستمکاران بنی‌امیه و بنی‌عباس و امثال آنها را امضا و تصویب نماید، و جاهل را بر عالم و ظالم را بر مظلوم و مفضول را بر فاضل فرمانروائی و تسلط دهد مبرا است. حساب زمامداران مستبد و دیکتاتوران خدانشناس از حساب دین و اسلام جدا است.

سیاست و دیانت !

این نکته هم ناگفته نماند که در اسلام سیاست و زمامداری از رهبری روحانی و دینی و معنوی جدا نیست جانشینان پیغمبر باید مثل اعلی و نمونه کامل اخلاق و فضایل و علوم پیغمبر باشند و بتوانند مردم را بجمیع حقایق دین و دقائق احکام شرع هدایت کنند.

و بعبارت دیگر جانشینی پیغمبر یعنی ادامه علم و کمال و اخلاق و هدایت و رهبری پیغمبر، و عهده داری امور امت در جمیع آنچه راجع بمصالح دین و دنیا است، و این همان معنائی است که بعد از پیغمبر تا حال

منتقطع نشده و باقی است و منتقطع هم نخواهد شد .

روزتاریخی غدیر :

راجع بعید سعید غدیر و اهمیت این روزتاریخی و احادیث متواتره قطعی که در کتب فریقین (شیعه و اهل سنت) تخریج شده و منقلاً و سنداً مورد بحث و دقت و تحقیق قرار گرفته حفاظ و علماء عالمقام علم حدیث و کلام در اطراف آن کتابهای علمی و پرارزش نوشته اند (۱) و علاوه هر کدام از علماء لغت و کلام و حدیث و تاریخ و تفسیر و جغرافیا و رجـال بمناسبت فن خود این حدیث را روایت کرده اند .

و در عصر ما هم علامه کبیر و متتبع بصیر آقای امینی با تالیف کتاب (الغدیر) خدمت بزرگی بامت اسلام نموده و بهترین هدیه را بکسانیکه بخواهند از حقایق تاریخی اسلام و سوابق غدیر آگاه گردند اهدا کرده است ، و الحق حق مطلب را ادا کرده و ایشانرا بر همه منتهی عظیم و حقی بزرگ است .

ما از اینکه در این دریای بی پایان وارد شده و بخواهیم شرحی از اسناد حدیث را در اینجا بنگاریم یا اسماء اصحاب پیغمبر که احادیث غدیر و ولایت را روایت کرده اند و نامهای مؤلفین و کسانیکه در کتب خود آنرا اخراج کرده و اقوال و بیانات علماء را یاد آور شویم بعلت ضیق مجال معذرت میخواستیم و خوانندگان را بکتاب **الغدیر** و کتاب **عبقات الانوار**

(۱) از ابن المعالی جوینی نقل شده که میگفت : در بغداد در دست صحافی يك جلد کتاب دیدم که روی آن نوشته شده بود **المجلدة الثامنة والعشرون من طرق من کنت مولاة فعلی مولاة ویتلوه المجلد التاسع والعشرون .**

(حق الیقین شبرس ۱۵۴ ج ۱)

تألیف علامه و نابغه شهیر سید میر حامد حسین قدس سره مراجعه می‌دهیم فقط آیه شریفه را که بمناسبت سر آغاز مقاله قرار دادیم بطور اختصار شرح و تفسیر مینمائیم :

تفسیر آیه ولایت ؟

سوره مائده باتفاق مدنیه است (۱) و سیوطی در اتقان ص ۱۹ ج ۱ و در المثنور ص ۲۵۳ ج ۲ از ابی عبید از محمد بن کعب نقل کرده که سوره مائده در حجة الوداع مابین مکه و مدینه نازل شد و در ص ۲۸ ج ۱ اتقان و در در المثنور ص ۲۵۳ از ترمذی و حاکم و احمد و ابی عبید در فضائل و نجاس در ناسخ و نسائی و ابن منذر و ابن مردویه و بیهقی در سنن از عایشه نقل کرده اند که آخرین سوره که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم نازل شده سوره مائده است و از احمد و ترمذی و حاکم و ابن مردویه و بیهقی از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که آخرین سوره که نازل شده سوره مائده و فتح است (۲) و در در المثنور ص ۲۵۳ ج ۲ از ابی عبید از ضمیره و عطیه نقل کرده که هر دو گفتند پیغمبر فرمود آخر قرآن از جهت نزول، مائده است و از ابی میسره نیز نقل کرده که آخرین سوره ای که نازل شد سوره مائده است .

(۱) مشهورترین اصطلاحات در تقسیم سور بمکه و مدنیه اینست که آنچه از قرآن قبل از هجرت نازل شده مکی و آنچه بعد از هجرت نازل شده مدنی است ، هر چند در مکه یا در بین راه مکه و مدینه نازل شده باشد و بعضی آنچه را که در بین راه مکه و مدینه پیش از ورود آنحضرت بمدینه در سفر هجرت نازل شده مکی میگویند (۲) غرض از سوره فتح سوره انا فتحنا نیست بلکه مقصود سوره اذا جاء نصر الله و الفتح است .

نزول آیه ؟

و بنا بنقل کثیری از بزرگان علماء علم اسباب النزول و مفسرین این آیه در غدیر خم در روز هجدهم ذی الحجه در شان امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شده است از جمله واحدی در اسباب النزول ص ۱۵۰ بسند خود از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: این آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» روز غدیر خم در شان علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شد و سیوطی در در المنثور ج ۲ ص ۲۹۸ از ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید آنچه را از واحدی نقل شد روایت کرده است و از ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده که گفت مادر عم در رسول الله صلی الله علیه و آله این آیه را با این نحو قرائت میکردیم: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ان علیاً مولی المؤمنین وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس» و در «الغدیر» از سی نفر از علماء و بزرگان محدثین و مفسرین اهل سنت نقل کرده که همه در کتب خود نزول این آیه را در غدیر خم و در تبلیغ ولایت علی علیه السلام روایت نموده اند.

مفاد و هدف آیه ؟

هر کس این جهات یعنی مکان و زمان نزول سوره مائده و آیه شریفه و واقعه تاریخی و متواتر غدیر خم و ابلاغ ولایت را با آن اهمیت و تاکید ملاحظه کند و مضمون آیه و جمله های آن توجه نماید تصدیق میکند آنچه بنزول آن در این آیه اشاره شده غیر از ولایت علی علیه السلام چیز دیگر نبوده و موضوعی دیگر که نزول چنین آیه در باره آن مناسب باشد در مدینه خصوص در سال حجۃ الوداع و در غدیر خم در ۱۸ ذی الحجه در بین نبوده است و با قطع نظر از گفته های مفسرین با تأمل در مضمون آیه

معلوم میشود که پیغمبر بتبلیغ يك امر بزرگ و مهمی ماموریت یافته که از ارکان مهم دعوت آنحضرت بوده است و در سال حجة الوداع غیر از امر خلافت و ولایت موضوعی که اینهمه تا کید درباره آن مناسب باشد پیدا نخواهیم کرد .

اگر نزول آیه در آغاز بعثت و پیش از هجرت یا ارائل آن بود که اعداء پیغمبر (ص) در نهایت کوشش با آنحضرت بمبارزه برخواسته بودند و تمام یا اکثر احکام تبلیغ نشده بود جا داشت کسی بگوید این آیه راجع باصل دعوت و رسالت و قیام بامر نبوت و یا ابلاغ احکام عمده و مهمه دین است اما در سال حجة الوداع سال آخر حیات پیغمبر ﷺ که احکام تبلیغ شده و پیغمبر با کمال استقامت و شجاعت قیام بوظیفه رسالت کرده و رسم بت پرستی و شرک را از بین برده و در تمام شبه جزیره عربستان بتها را سرنگون و درهم شکسته و زمینه فتوحات آینده را برای دین خدا فراهم ساخته و نیرومندترین دشمنان آنحضرت در برابر احکام و قوانین اسلام تسلیم و اسلحه بر زمین گذاشته و توحید و پرستش خدای یگانه همه جا رایج و نماز و روزه و حج و جهاد و زکوة و سایر فرایض و واجبات و محرمات و حدود تبلیغ؛ عملی شده و مسلمین در خطر ناک‌ترین جنگها شرکت کرده و جان و مال خود را نثار راه اطاعت پیغمبر خدا نموده بودند غیر از امر ولایت و خلافت موضوعی باقی نمانده بود که پیغمبر مأمور بتبلیغ آن شود و اهمیت آن بقدری باشد که عدم تبلیغ و نرساندن آن بمردم مساوی باشد با عدم تبلیغ تمام احکام .

از جمله (والله یعصمک من الناس) استفاده میشود که آنچه بر پیغمبر نازل شده موضوعی بوده که معرض کار شکنی‌های داخلی و مخالفات

مردم مغرض و فعالیت‌های سیاسی و دسته بندی‌ها و تحریکات و سوء قصد بجان گرامی آنحضرت بوده است از این جهت میفرماید: خدا تو را از شر مردم نگاه میدارد و چنین موضوعی که مغرض مخالفت و بروز سوء نیت منافقین و منحرفین باشد در آن موقع غیر از مسئله خلافت چیز دیگر نبوده است.

نتیجه بحث: بنا بر این برای شخص منصف، با دقت و تأمل در مضمون آیه و شان نزول و مکان و زمان آن قطع حاصل میشود که آیه راجع بولایت علی علیه السلام و رسالتی است که پیغمبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم ادا فرمود. اگر کسی بخواهد آنرا تفسیر و تطبیق با آغاز بعثت و زمانیکه پیغمبر در مکه بودند بنماید یادست به توجیحات ناروای دیگر بزند در رد سخن او همان اتفاق بر مدنی بودن این سوره کافی است.

اشکال و جواب؟

اگر کسی بگوید موضوع ولایت و خلافت نیز یک مطلب تازه‌ای نبود که نسبت بآن پیغمبر صلی الله علیه و آله حرفی نزده باشد بلکه از اول بعثت تا آن موقع در موارد متعدده راجع بآن پیغمبر حق بلاغ را ادا فرموده بود پس چگونه این آیه در مورد آن نازل شده است.

جواب اینستکه همینطور است که شما میگوئید. نصوص داله بر خلافت و ولایت امیر المؤمنین منحصر بحديث غدیر نیست و تبلیغ ولایت از اول در بر ناهه‌های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته و آنحضرت بتدریج در موارد مناسب آنرا ب مردم تبلیغ فرمود و صریحاً در حدیث ثقلین متواتر، اهل بیت خود را عدل قرآن و در احادیث متواتره و مشهوره دیگر علی را خلیفه و جانشین خود معرفی فرمود ولی چون امر ولایت

يك موضوعی است که صاحبان اغراض شخصی و ریاست طلبان و سیاستمداران بآن چشم طمع دوخته و نقشه‌هایی برای بدست آوردن آن کشیده بودند. تبلیغ عادی و معمولی در آن کافی نبود. فرضاً نسبت بحکمی از احکام متعارفه چون غرضهای خصوصی برای انکار آن یا توسل جستن بتوجیهاات و تأویلات در بین نبوده همان تبلیغ عادی که بیک نفر یا چند نفر گفته شود کافی است و کسی آن را رد نمی‌کند اما در يك حکمی که بامنافع شخصی جمعی مساس داشته باشد طبعاً تبلیغ باید رساتر و مکرر و مؤکد شود بطوریکه سیاستهای گوناگون نتوانند آنرا محو سازد.

باین جهت در مورد تبلیغ ولایت اولاد در مناسبات مختلفه تبلیغ میشد و ثانیاً چون بمرور زمان ممکن بود در بعض اذهان اهمیت آن کم شده باشد بهترین فرصت برای تبلیغ و تاکید آن زمان قرب رحلت پیغمبر آن مجمع عام مسلمین بوده است که هم اعلامهای سابقه تازه شود و هم مسلمانان نسبت بآن حدیث العهد باشند و هم شخصاً پیغمبر بدون واسطه دیگران بعموم مسلمین که برای انجام فریضه حج از اطراف و بلاد آمده بودند ابلاغ فرمایند لذا بفرمان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر شد پیش روندگان قافله حاجرا بغدیر خم برگردانند و منتظر ماندند تا عقب ماندگان رسیدند سپس با آن تشریفات مشهوره که همه خوانندگان محترم اطلاع دارند نصب رسمی و برگزیدن علی عَلِيٌّ بخلافت انجام شد و پیامبر بزرگ اسلام رسالت خود را اداودین، کامل و نعمت خدا بر این امت اتمام یافت.

جعلنا الله تعالى من المتمسكين بولاية

وولاية اولاده المعصومين (ع)